

بررسی معنا شناسی سه واژه میدان، گره، فلکه

مقدمه

اگر در شهر میدانی نبود، شهر چگونه می شد؟ آیا شهر جز مجموعه‌ای از ساختمان می شد با دلانهایی باریک یا پهن در بین آن ساختمانها؟ آیا چنین شهری می توانست واجد هویت گردد؟ آیا در این صورت نقطه‌ای خاص و با مفهوم برای شهروندان به وجود می آمد؟ آیا حس ورود به شهر را می شد با تابلوها و کیلومترهای مدرج آن و خوشامدگوییهایش درک کرد؟ خاطره‌ها کجا شکل می گرفت؟ مکانی برای تعلق داشتن به آن باقی می ماند؟

یک میدان موفق نشان دهنده توانایی شهر و یک میدان ضعیف نشانگر ضعف مدیریت شهری است. اگر شهری بخواهد میزان موفقیت میادین را بالا ببرد و ارزشهای انسانی و اجتماعی را در عرصه گوناگون زندگی احیا کند، باید دقت کند که چستی چنین فضاهایی کدام است، این مکانها آبستن چه نوع فعالیت‌هایی هستند. آیا مردم این مکان را به اختیار انتخاب می کنند یا به اجبار؟



تصویر ۱-۱- استان اردبیل، سرعین- تمایل مردم به حضور در فضای سرزنده و تماشای فعالیت دیگران.

۱-۱- مقدمه

یکی از دلایل ناهنجاری رفتاری و کالبدی در شهر های ایران، عدم توجه کارشناسان، مدیران شهری به معنای مستقر در مفاهیم واژه هایی است که ابزار طراحی و برنامه ریزی قرار می گیرد. واژه در هر فرهنگ دارای معنای ویژه خود بوده و شهروند بر اساس معنای وجودی و تصویری که آن واژه در ذهن ایجاد می نماید عمل می کند. برای هر فرد ایرانی، واژه هایی چون کوچه، خیابان، بلوار و با هم تفاوت های معنایی بسیاری دارد. رفتار شهروند نیز برگرفته از درکی است که از این مکانها دارد.

مشکل کارشناسان و مدیر شهری در رویکردی است که با موضوعات دارند. تازمانی که کارشناس تمام مساعی خود را برای حل مشکلات عملکردی صرف می کند، یا حداکثر به دنبال آشتی بین فرم و عملکرد است، مشکل بطور جامع و کامل حل نمی شود. اکثر کارشناسان ما در عمل بین ذهنیت و عینیت تفاوتی نمی گذارند. ایشان در عمل و تئوری به تصاویری که شهروند ایرانی براساس تجربیات فردی و جمعی خود در طول تاریخ در ذهن خود از مکانهای زندگی دست پرورانده است بی توجهند. ایشان هنوز اندر خم حل مشکلات "فضا" هستند. به این دلیل نه فقط میان سیما (تصویر ذهنی) و منظر (شرایط عینی و قابل ادراک) تفاوتی قائل نیستند بلکه آنها را مترادف یکدیگر بکار می برند.

دهخدا میدان را چنین توصیف می کند. " عرصه ای گشاده در حالی که اطراف آن خانه ها یا دکان ها است" این واژه را یک واژه پارسی دانسته که اعراب آن را به "میدان" جمع بسته اند. با این توصیف در گذشته میدان به هر جای فراخ و پهن گفته می شد. بهترین معادل برای میدان شهری در زبان انگلیسی پلازا است که در ایتالیایی پیاتزا و در اسپانیولی پلاکا گفته می شود و هر سه مشتق از کلمه لاتین پلاتی می باشند. نزدیکترین واژه ها در ادبیات شهرسازی به مضمون بالا واژه های " گره"، " میدان" و " فلکه" می باشند که به گونه ای ظریف از هم متمایزند:

۱-۱-۱- گره:

" کوین لینچ " در کتاب **the image of city** (سیمای شهر) تصویر ذهنی گره را فقط حاصل از تقاطع خیابانها یا حتی میدان و فلکه نمی داند، بلکه گره را شامل کلیه فضاها و پاره فضاهایی که محل تجمع یا تلاقی رویدادهای متنوع جمعی هستند می داند. به بیانی دیگر تمام انواع تقاطعها، میدانی، فلکه ها جلوخان ها، پاتوقها، محل تمرکز والدین در جلوی مدرسه و ...



۱-۱-۲- میدان:

آنچه از میان معانی مختلف برای میدان بیش از هر چیز مشترک است، ماهیت عرصه بودن میدان است. محل تجمع انسانها، نیروها و رویدادها که در این عرصه اند. جمعی که نه فقط خانه ها و دکانها در آن تجمع یافته اند بلکه خود نیز به عنوان عرصه تجمع انسانها، فعالیتها و رفتارها و در یک کلام رویدادهای گوناگون عمل می نمایند، رویدادهایی که در گذشته حادثه شده و در خاطرات جمعی و فردی ثبت میشوند. وقایع حاضر در زندگی روزمره و تمایلات و تصورات آینده نگرانه از یک بهبود زندگی جمعی. این مکان



عمومی و روباز که عمدتاً ورود اتومبیل بدان ممنوع است، فضایی است برای قدم زدن و رفع خستگی، نشستن، خوردن، آشامیدن، خرید و ... که بر عکس پیاده رو فضایی برای مکث است تا عبور.

تصویر ۱-۲- جلوخان، نوع خاصی از میدان شهری

۱-۱-۳- فلکه:

فلکه **Roundabout** عبارت است از گشودگی در تقاطع محورها و جزیره ای در وسط این گشودگی. جزیره میانی دارای پوشش گیاهی، آب نما، فواره، و بعضاً مجسمه می باشد که معمولاً تقاطع مدوری است. عملکرد غالب آن توزیع حرکت خودروها است. آنچه در طرح فلکه مطرح نیست حضور انسان است.

بنابراین میدان یا پلازا فضایی اجتماعی و شهری است، برای گفتگو و تعامل، تفریح، استراحت، خرید،



نظارت، مکث و توقف. بنابراین آنچه امروز در کشور ما به میدان شهرت دارد، میدان واقعی نیست بلکه فلکه است. یک مانع حرکتی در وسط تقاطع است که وسایل نقلیه بدورش گردش کنند و در مسیر حرکتی خود الزاماً روی خطوطی از دایره حرکت نمایند، بدون آنکه مزاحمتی برای هم بوجود بیاورند.

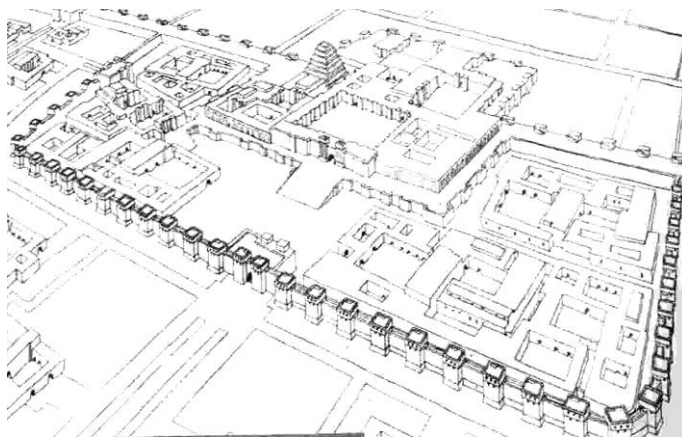
تصویر ۱-۳- جمهوری چک، میدانی فرهنگی در پراگ، یک فضای چند عملکردی و جذاب. از فضای باز میدان علاوه بر استفاده روزمره در فستیوالها و جشنها نیز بهره گیری می شود.

۲-۱- نگاهی به نقش میدان در گذر تاریخ

سنت گردهمایی در محیطهای باز مجتمع های زیستی به تاریخ شکل گیری نخستین مجتمع های زیستی انسانی باز می گردد. وجود فضای باز شهری در شهرهای وارکا، اور، بابل و خرساباد در بین النهرین به شکلها و فرمهای مختلف دیده شده است. موقعیت مکانی و فرم مقیاس فضا در همین نمونه های اولیه تفاوتهای بارزی یافته است که دقت بیشتری را می طلبد. فضاهای باز " وارکا" به شکل نامنظم و در مرکز شهر و بدون حصاری جدا کننده در اختیار شهروندان بوده است. اور و بابل فضاهایی منظم یافتند و در درون حصاری در مرکز شهر قرار گرفته و دسترسی به آن جز از طریق دروازه هایی مقدور نبوده است. و بالاخره خرساباد نه تنها فضایی بزرگ مقیاس یافته بلکه در درون حصاری حصین قرار گرفته و دسترسی به آن تنها از طریق ورودی محور گرا و یادمانی مقدور بوده است.

بررسی تاریخی شهرهای مغرب زمین نشان می دهد آنچه همیشه بعنوان ارزش برای یک میدان مطرح بوده نقش اجتماعی و تعاملی است که این فضا که در زندگی جمعی شهروندان ایفا می کند.

از دوران یونان باستان تا قرن بیستم شهروند اروپایی مهمترین و مردمی ترین رویداد جمعی خود را در میدان برگزار می کرد. واژه های یونانی " آگورا" و رومی " فروم" به معنای تجمع شهروندان بود. فرم فضای آگورای آتن نامنظم بوده و وجود عناصر کالبدی در درون آن موجد شکل گیری فضاهای خرد در درون فضای یکپارچه آگوار شده که متناسب با تنوع عملکردی آگوراست. فرومها نیز به لحاظ کالبدی به آگورای یونانی شباهت دارند. این فرومها باعث افزایش برخورد اجتماعی مردم با هم بودند.



تصویر ۵-۱- ارگ سارگون دوم در خرساباد (آشور)
۷۲۰ سال قبل از میلاد

پلازا و انواع فضاهای مشابه در میان اقوام اروپایی، خواه انگلیسی، آلمانی یا فرانسوی و مانند اینها قلب تپنده شهر و محل گرد همایی و تعامل اجتماعی بود. حتی خود کامه ترین دولتهای دوران استبداد اروپا (قرن هفدهم و هجدهم) جرأت تغییر این نقش را به ذهن خود خطور نداشتند. حتی اگر مستبدین نیازی به احداث میدان جدیدی برای نشان دادن قدرت و جلال خود می دیدند، سبک و معماری آن را هندسی تر و مجلل تر نموده و رژه و بازدید از لشکریان را به عملکرد آن می افزودند. نظام حاکم با استفاده از ابعاد وسیع

و معماری با شکوه و استفاده از عناصری چون دروازه ها و دیوارهای عظیم، مجسمه ها و تندیس های غول پیکر و بالاخره استقرار فضا در مقابل معبد و کاخ، تمام تلاش بر آن بوده تا بزرگ نمایی و شکوه نظام حکومتی تاکید کرده و بر صلابت و استواری و شکست ناپذیری آن صحنه بگذارد.

شهروند غربی پس از سرنگونی استبداد، به سرعت عملکرد تشریفاتی را از میدان زدود و آن را بصورت محل حضور و تعامل اجتماعی خود و همشهریانش احیا کرد.

اگر شهر های مغرب زمین در طول دو هزاره دارای حداقل یک میدان شهری بودند، در نظام سنتی شهرهای مشرق زمین و ایران با دو نوع اصلی میدان روبه رو بوده ایم، از این دسته اند: میدان محلی و میدان رسمی و تشریفاتی.



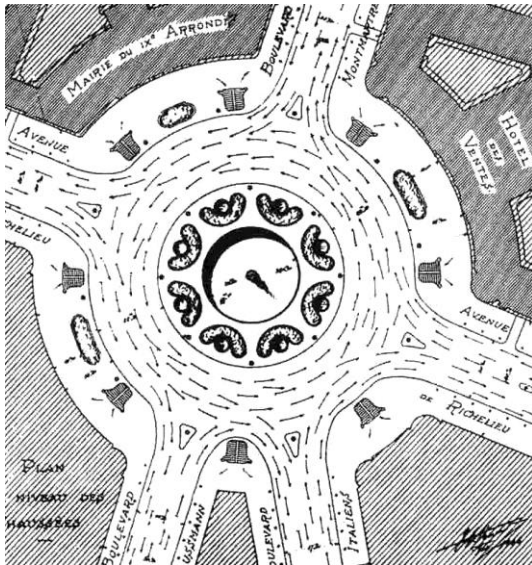
تصویر ۶-۱- اصفهان، میدان نقش جهان، چهار قرن حیات با شکوه

عمومی ترین و مردمی ترین فضاهای شهری در جامعه ایران بازارها و میادین محلی بودند. میدانهای ارگ یا میدان اصلی شهر مانند (نقش جهان) بیشتر وظیفه ای تشریفاتی و در خدمت نهادهای حکومتی و مسئول شهر قرار داشتند. از آنجا که میادین اصلی توسط حاکم و اطرافیان اش احداث می گردید، دولت نیز مسئول حفظ و نگهداری از آن بود. از سوی دیگر میادین محلی و برخی تکایا بودند که توسط خود مردم به صورت خود جوش احداث و نگهداری می شد. این میادین و تکایا محل تجمع و تعامل اجتماعی اهالی محل بود. این میدان ها در محل تقاطع گذرهای اصلی محله قرار داشتند و پیرامون آن را مغازه ها، مسجد، گرمابه، آب انبار و گاه سقاخانه در بر می گرفت.

در گذشته میدان به هر جای فراخ، گسترده و بی عمارت گفته می شد، به همین دلیل میدان به مکانهای بزرگ و سربازی که در آن چارپایان، سبزی و میوه، ذغال و کاه و امثال آنرا می فروختند نیز اطلاق می شد. این میدانها تجاری بودند. امروزه هم به چنین مکانهایی نام میدان می نهند، مثل میدان تره بار. میدانهای رسمی- تشریفاتی انواع مختلفی داشتند. عمدتاً عبارت بودند از میادین حکومتی که نهادهای حکومتی در آن استقرار می یافتند. مانند میدان ارگ تهران یا میدان نقش جهان اصفهان. میدان نظامی که خاص تمرینات نظامی در اطراف آنها بود مانند میدان توپخانه تهران. میدان ورزشی که به مسابقات ورزشی اختصاص می یافت مانند میادین اسب دوانی یا نقش جهان که فضای میانی را برای بازی چوگان مورد استفاده قرار می گرفت.

بنابراین میدان یا پلازا فضایی اجتماعی و شهری و محل گفتگو و تعامل، است. درحالیکه آنچه امروز در کشور ما به میدان مشهور است، میدان واقعی نیست بلکه معادل تقریبی آن **Roundabout** است. یعنی

جایی که دور آن می چرخند. فلکه را شهر سازی به نام اوژن هنارد اختراع کرده است و از پیدایش آن کمتر از یک قرن می گذرد، ولی برای تسهیل تردد خودروها در تقاطع ها این پیشنهاد را در سال ۱۹۰۶ ارائه داد. با فروپاشی نظام سنتی در ایران، نظام فضایی شهرهای ما نیز دگرگون شد و به سبب ورود خودرو، خیابان کشی های این دوره با به صلیب کشیدن شهرها، در محل تقاطع محورها، فضایی به نام فلکه احداث شد. این فضا جای میادین تشریفاتی را به سرعت گرفت و دولتهای وقت و بلدیه ها سعی در احداث هر چه مجلل تر آن نمودند. از آنجا که تغییر و تحولات شهری، عمدتاً معطوف به حرکت سواره و توزیع خودروهای شخصی شد، نه فقط خراشهای عمیقی بر پیکر شهری به نام (راههای شهری) وارد شد، بلکه تقریباً همه میادین شهرهای ما را تبدیل به فلکه نمود.



در طی سالهای اخیر فرم و عملکرد میدان های شهری ما در برابر تغییرات و تحولات سریع و مخرب ناشی از ورود خودروی شخصی بشدت تغییر کرده است. میادین امروزی تلفیقی از فرم یک فلکه به معنای میدان و عملکردی مختلط از این دو هستند.

تصویر ۷-۱- نقشه یک فلکه و چگونگی گردش به دور آن از دید اوژن هنارد.

۱-۳- فلکه فضایی برای سواره

فلکه، میدان، گلکاری و جز اینها، واژه هایی متفاوتند که برای نوع خاصی از فضاهای عمومی شهر بکار می روند. تعدد نام برای این نوع از فضاها ریشه در سردرگمی، اغتشاش، اختلاط معنا، فرم و عملکرد این گونه فضاها، با سایر فضاهای بجامانده از شهر قدیم دارد.

فلکه های فعلی قالبی نامناسب برای تحولات و اقدامات شتابزده به سوی مدرن کردن هر چه بیشتر شهرها و آماده سازی آنها برای پذیرا شدن خودروها می باشد. فراموش نباید کرد که فلکه ها به طور مستقیم در خدمت شهروند سواره اند و در ایجاد محیطی پویا و بارور برای زندگی شهری ناتوانند.

آنچه در فلکه حائز اهمیت بیشتری است توزیع روان و ایمن تر ترافیک سواره است. در فلکه پیاده در درجه دوم اهمیت قرار دارد و نقش اجتماعی به حداقل ممکن می رسد. توجه به این نکته ضروری است که پیاده ها در مسیر خود همواره طالب مسیری پیوسته و بالنسبه هموار هستند و عدم توجه به این مسئله باعث بروز انواع ناهنجاریهای رفتاری گروههای پیاده و سواره می شود.

با این تفصیلات فلکه به عنوان یکی از انواع تقاطعها برای توزیع حرکتهای سواره، کیفیاتی را در ذهن متبادر می سازد که علاوه بر حاکمیت تردد سواره، ویژگیهای دیگری را نیز شامل می شود. تردد و حرکت سهل و سریع خودرو ایجاب می کند که فلکه از روانی مطلوبی در حرکت برخوردار باشد به نحوی که هر

راننده بتواند با کمترین مشکل و در حداقل زمان، مسیر خود را یافته و بدون مزاحمت دیگران (پیاده یا سواره) تغییر مسیر دهد. روانی حرکت از شاخص ترین کیفیات یک فلکه است. هر اندازه فضا دارای وضوح بیشتری باشد، شهروندان پیاده و سواره سریعتر و راحتتر مسیر را انتخاب می کنند و از توقف و مکث جلوگیری می شود. انتخاب فرمی ساده، معین و قابل پیش بینی به صورتی که نقطه کور نداشته باشد در این امر بسیار موثر است. بعضاً وضوح فضا از طریق موانع دید از بین رفته و یا کم رنگ می شود. کنترل محل نصب مبلمان شهری به نحوی که مزاحم دید نباشد و نحوه پراکندگی و تناسب آنها به ادراک رانندگان از فضا لطمه وارد نسازد، نیز از نکات قابل توجه در این امر است. همچنین پرهیز از پوششهای گیاهی انبوه در میانه یا جداره فضا و عدم بکارگیری احجام صلب و حجیم در میانه فضا به وضوح فضا کمک می کند.

یکی دیگر از عوامل روانی حرکت عدم تداخل فضایی و فعالیتی است. به عبارت دیگر جداسازی مسیر پیاده و سواره از هم و همچنین جداسازی تقاطع های سواره و پیاده به صورتهای مسطح یا غیر مسطح از هم.

نکته حائز اهمیت دیگر چگونگی نحوه خروج از آن است. در مواردی سرعت و حجم ورودی با سرعت و حجم خروجی یک اندازه نیست. توقف خودروها، ایستگاه اتوبوس، و بعضاً پارک خودروها برای دستیابی به کاربریهای کناره میدان، که باعث اختلال در سیستم فلکه می شود.

اگر محرک های موجود در فلکه به گونه ای باشند که شهروندان را تشویق به حرکت کند، بخش اعظمی از سکون مزاحم فلکه حل خواهد شد. حذف فعالیتهای جاذب برای پیاده ها (مانند تجاری و اداری) و عدم بکارگیری مبلمان متناسب با توقف و مکث مانند تابلوهای تبلیغاتی، نیمکتها، کیوسکها و چادرهای خیریه و نمایشگاههای موقت از آن جمله اند.

ویژگی دیگر مهم و قابل ذکر برای یک فلکه تفریق پذیری است، محوطه ای وسیع و دارای بار اطلاعاتی که به نحوی که دارای کمترین محرکها برای مکث و تجمع باشد. بنابراین در طرح فلکه ها توجه به این نکته ضروری است که از عواملی که باعث تجمع می شود باید پرهیز کرد. از آنجا که ادراک فرمهای پیچیده نیازمند مکث است و تزئینات و نقاشی های دیواری باعث جلب توجه و حواس پرتی رانندگان میشود جزء عوامل مخمل محسوب می شود.



عنصر مهمی که در تفریق پذیری بسیار موثر است، خالی بودن مرکز ثقل و میانه فضا از عناصر جاذب پیاده است.

تصویر ۸-۱- همدان، میدان امام خمینی

توجه به این مطلب ضروری است که در طرح جزیره وسط فلکه بکارگیری فضای سبز و آب نما به زیبایی و از طرفی به تلطیف هوا بسیار کمک می کند. نمادهای ساده (قابل ادراک برای سرعت سواره) و مجسمه ها نیز به نحوی که مزاحم دید نباشند نیز می تواند به نوعی مکمل فضای جزیره وسط فلکه محسوب شوند.

از دیگر بحثهای مهم در طرح یک فلکه ایمنی است. اتومبیل به عنوان یک وسیله حجیم، سنگین و سریع همیشه برای آدمی خطر آفرین بوده است. ایمنی در تقاطع حرکت سواره و پیاده از حساسیت زیادی برخوردار است، لذا توجه به این نکته ضروری می رسد که محلهای عبور پیاده از عرض سواره قابل رویت و قابل پیش بینی باشد. سواره ها نیز در برابر هم نیاز به ایمنی دارند. اگر ارتفاع جداره ها و پوشش های گیاهی و یا هر عامل دیگری برای رانندگان موانع دید را ایجاد کند و یا اینکه فرم فلکه دارای نقاط کور بصری باشد، ایمنی حاصل نمی شود.



تصویر ۹-۱- تهران، میدان کاج، میدان عملاً اثر حجمی را پنهان کرده است.

۱-۴- میدان، اثر حجمی و هویت بخشی

هر ساله دهها مجسمه و اثر حجمی به وسیله شهرداریها و ارگانهای مختلف در فضای شهری و بویژه میداین شهرهای بزرگ و کوچک کشورمان نصب می شود، این حرکت در صورتیکه به خوبی هدایت شود می تواند سهم مهمی در ارتقاء کیفیت این فضا ها داشته باشد، بویژه آنکه در سالهای اخیر چنین فعالیتی عمومیت بیشتری یافته و اغلب برآند که مرکز میداین خود را مزین کنند.

هدف شهرسازی ایجاد محیطی آرام و سالم است که آسایش و غنای زندگی در آن ممکن باشد، آسایش را می توان در تأمین نیازهای مردم تعریف کرد، اما غنای زندگی هنگامی پدید می آید که معنویت هنری در محیط های شهری فراهم باشد. یادمانها و المانها می توانند نقش بسزایی در غنی ساختن زندگی شهری از طریق بیان هنری داشته باشند. این امر بویژه در میداین و فلکه ها نقاط عطف شهر که کانون توجه شهروندان هستند از اهمیت بیشتری برخوردار است. عملکرد اصلی آن ایجاد حس مکان و هویت تعریف شده و ارتقاء روحیه خاص در فضا با تقویت روحیه یک فضا می باشد.

۱-۴-۱- تعریف اثر حجمی

حجمی سه بعدی که دارای فرم و بیان هنرمندانه می باشد و از جهات مختلف قابل نظاره است. موضوع آن معمولاً پیکره یک انسان، حیوان، گیاه و می باشد و جزئی از مبلمان شهری است که خارج از فضای بسته قرار گرفته است. کارکرد اصلی آن تزئین، هویت بخشی یا انتقال پیامی به ناظرین می باشد و از مصالحی نظیر سنگ، بتن، فلز، چوب، فایبر گلاس و ساخته می شود. مهمترین وجه تمایز این آثار با مجسمه های در فضای بسته آن است که ناظرین آثار حجمی فضای باز بیشتر، تواتر دیدار آنها فزونتر و ترکیب بینندگان آن متنوع تر است، بدین ترتیب افرادی که حتی سواد خواندن و نوشتن هم ندارند، بیننده این حجمها هستند و متخصصین باید توجه لازم را در انتخاب مقیاس، مکان مناسب و حجم اطلاعاتی آن داشته باشند.

۱-۴-۲- انواع آثار حجمی

آثار حجمی متفاوت و متنوعی در فضاهای شهری استفاده می شوند که اگر چه بسیاری تشابه نزدیکی با مفهوم مجسمه دارند اما دارای هویت متمایز می باشند. انواع آثار حجمی را می توان چنین طبقه بندی نمود:

۱-۴-۲-۱- طاقهای یادمانی (Monumental Arch)

طاقهای یادمانی معمولاً برای گرامی داشت وقایع بزرگ تاریخی ساخته شده اند، یادمان پیروزی نظامی، شهدای گمنام جنگها.

۱-۴-۲-۲- ستونهای یادمانی (Monumental Column)

سر منشاء این ستونها به یونان باستان بر می گردد. این ستونها از طاقهای یادمانی قدیمی ترند و بیشتر برای گرامیداشت یک شخص یا یک رویداد تاریخی بکار برده می شوند. در بسیاری موارد مجسمه یک شخصیت مهم بر فراز آن نصب می شود. این ستونها برای نشان دادن مرکز به کار می آیند و نمادی از هندسه گرایی، نظم و قدرت بود.



(۱) تصویر ۱۱-۱- فرانسه، پاریس، میدان اتوال



تصویر ۱۰-۱- اسپانیا، بارسلونا، میدان کاتالونیا

۱-۴-۲-۳- ساعتهای تزئینی (Decorative clock)

این ساعتهای اثر قوی بر چشم می گذارند، اگر با دقت و حساسیت جانمایی و طراحی شوند می توانند به عنوان نشانه قوی در شهر محسوب شوند و تأثیر بصری قوی خواهند گذاشت.

۱-۴-۲-۴- مجسمه ها (Sculpture)

تعریفش در بالا اشاره شد. انواع مختلفی دارند: تک مجسمه، گروهی، سوار بر اسب، مجسمه آب نما، و مجسمه های عملکردی (مانند آبخوری)



تصویر ۱۳-۱- امریکا، نیویورک، راکفارسنتر

**۱-۴-۲-۵- مجسمه نوشته ها**

نوشته های برجسته و سه بعدی که بر روی پایه ای قرار می گیرند.

۱-۴-۲-۶- مجسمه ها و المانهای نوری**۱-۴-۲-۷- مجسمه های تبلیغاتی****۱-۴-۲-۸- سازه های یادمانی و نمادین**

این گروه شامل سازه هایی می شود که می توان آنها را معماری به مثابه مجسمه تلقی کرد و در حقیقت بناها و یا دست ساخته هایی هستند که احجام شناخته شده ای را در ذهن متبادر می کنند. این سازه ها بیشتر یادمانی هستند یعنی برای بزرگداشت و نگهداشت خاطره یک شخص، واقعه یا فکری ساخته می شود، یا اینکه در مقیاس بزرگ برای شهر ساخته می شوند، تا نماد آن باشند.

۱-۴-۳- موضوع و بیان بصری آثار مجمی

برخی موضوعات و مضامین و مفاهیمی که دستمایه ساخت آثار حجمی می شوند را می توان چنین نام برد:

مشاهیر و شخصیت‌های تاریخی، دلاوران و شهدا، ورزشکاران، شخصیتها و روایتها، موجودات اسطوره ای، مضامین مذهبی و سیاسی و تاریخی و عمرانی و ورزشی، مضامین اقتصادی و معیشتی، مضامین احساسی و عاطفی، مضامین طبیعی و اقلیمی، مضامین سنتی و فرهنگی، مضامین عملکردی، پیام ها و مفاهیم انتزاعی یا واقعی، فرهنگی و اجتماعی.

سه سطح برای انتقال این پیامهای بصری از طریق اثر حجمی قابل تفکیک است:

الف) باز نمایی یا شبیه سازی واقعیت

ب) بیان نمادین و سمبلیک

پیام رسانی در این سطح بوسیله نمادهایی که انسان به دلخواه آفریده و بدان معنی داده صورت میگیرد مانند گل لاله که نمادی از شهادت است. لذا ممکن است برای بعضی فرهنگها قابل فهم نباشد، اما برای یک جامعه با فرهنگ مشترک قابل فهم است.

ج) بیان انتزاعی

بیان یک رویداد یا مفهوم بوسیله مولفه های بنیادی بصری. فهم آن کمی دشوار است و بیننده به سواد بصری نیازمند است. از آنجائیکه مخاطبان آن همه اقشار ملت اند که عموماً فاقد سواد بصری اند بهتر است در میادین از مجسمه های واقعی و نمادین بیشتر از سمبلیک ها استفاده شود.

۱-۴-۳- کارکردها و نقشهای آثار مجمی

یکی از مهمترین کارکردهای آثار حجمی ایجاد حس مکان تعریف شده، القاء روحیه خاص در فضا است. " مکان بخشی از فضا است که بوسیله شخص یا چیزی اشغال شده است و دارای معنایی ارزشمند است." صورت هماهنگی اثر حجمی با محیط و تقویت انسجام بصری محیط پیرامونی، شهروندان احساس رضایت و آرامش بیشتری می کنند و حس مکان تقویت می شود.

کارکرد دومی که می توان برای آثار حجمی نام برد تعریف و هویت بخشی به فضای شهری است. به عبارت دیگر تمایز مکانی از مکانهای دیگر به طوریکه شخصیتی بینظیر و مخصوص به خود را دارا شود. فضای خالی از هنر جذابیت ندارد و فقدان جذابیت از کیفیت فضا می کاهد و مانع ایجاد حس سرزندگی و نشاط در فضای شهری می شود. یک اثر حجمی مناسب می تواند چنین شرایطی را به فضا ارزانی دارد و می تواند در کنار آن سطح دانش و آگاهی عمومی شهروندان در خصوص حوادث فرهنگی و یا سایر زمینه ها را ارتقا می بخشد.

از دیگر کارکردهای اثر حجمی مناسب می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- معرفی عملکرد و روحیه میدان (تداعی عملکرد تاریخی، فرهنگی میدان یا پیرامون آن)
- تعریف مرکز ثقل و نقطه تمرکز میدان (علت جانمایی مجسمه در وسط میدان همین مورد است)

- ایجاد یک نشانه شهری
- ایجاد انگیزه بهسازی محیط در شهروندان
- تناسب بخشی به نام میدان

• هدف نهایی یک شهر ایجاد محیطی خلاق و پرورنده برای مردمی است که در آن زندگی میکنند. تندیسها و سایر آثار حجمی اگر چه جزء زیر ساختهای شهری محسوب نمی شوند اما می توانند در تأمین این هدف و سایر اهدافی که به کیفیت فضای شهری می انجامد موثر باشند. آنها سالیان سال در پر رفت و آمد ترین نقاط شهر بین میادین قرار می گیرند و آنجا را ترک نمی کنند، با نگاهی خلاقانه و جدی به این مقوله می توان سرزندگی و هویت را به فضاهای شهری و از جمله فلکه ها و میادین بازگرداند.

۵- میدان دروازه ای برای شهر

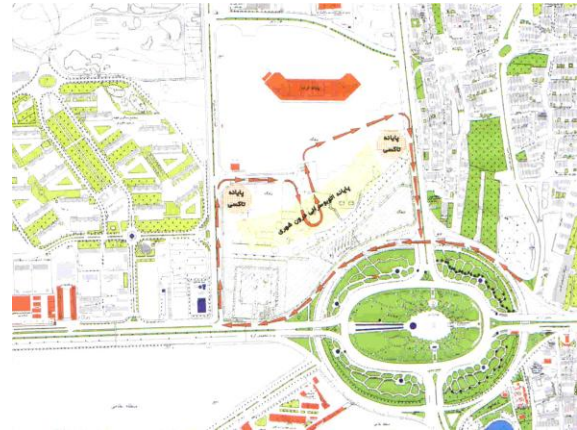
میدانهای شهری از لحاظ شکلی به چندین دسته تقسیم می شوند. پل زوکر در تقسیم بندی خود از میدانها بیش از هر چیز کالبد میدان و چیدمان عناصر و میزان محصوریت آنها را مورد توجه قرار داده است و آنها را به دسته های کاملاً محصور، هسته ای، چند فضایی، بی شکل و جهت گرفته به سمت عنصری شاخص تقسیم کرده است.

میدانها را می توان از منظر نقش و عملکردشان نیز مورد بررسی و دسته بندی قرار داد. میدانها میتوانند دارای نقش ترافیکی، خدماتی، استراحت و تفریح باشند. عموماً میدانها ترکیبی از نقشها را بر عهده می گیرند.

میدانهای واقع در ورودی شهرها نیز گونه ای از میدانها هستند. جائیکه خطوط مراسلاتی بین شهری با شبکه راههای درونی شهر پیوند می خورد.

راهها در صورتیکه پیموده شوند به شهری می رسند در گذشته در محل تلاقی راه دروازه ای ساخته می شد همچون دربی که فضای خانه را از کوچه جدا می کند. دروازه ها ورودی شهر ها بودند و مسافران پس از پیمودن راهها، در اولین مواجهه با شهر، از این ورودی می گذشتند. همانگونه که ساختمانهای عمومی شهر قدیم مصرف قدرت و ثروت شهر بودند، دروازه ها نیز بر این ویژگی ها صحنه می گذاشتند. از همین رو حاکمان می کوشیدند تا دروازه هایی با شکوه، زیبا و در شأن خود بسازند. دروازه ها یا ورودیهای شهرهای قدیم مرکز تجمع و رفت و آمد مسافران و ساکنان بومی بوده و همواره عده ای، از بازرگانان تا پیشه ور و از سپاهی تا پيله ور در فضای آن حضور داشتند. گدایان و آنانی که در سوداگری های نامتعارف بودند نیز در ازدحام دروازه های شهر جایی برای خود می یافتند. در دوره حاضر با تحولی در مفهوم دروازه شهر مواجه بوده ایم. در امتداد فروریزی دیوار شهرها و گسترش کالبدی آنها، دروازه ها نیز فرو ریختند و یا مثابه نمادی از گذشته به قابی در درون بافت شهری بدل شدند.

به تدریج به جای کاروانی از اشتران، کاروانی از وسایل حمل و نقل موتوری در جاده ها قرار گرفتند. سرعت جابجایی و شکسته شدن بعد زمانی از جمله مسائلی است که لزوم بازنگری به مفهوم دروازه شهر و حس ورود به دیاری جدید را در ذهن متبادر می کنند. میدانهای ورودی شکل دگردیسی شده دروازه های قدیم هستند و مسافران از طریق آنها اولین مواجهه با شهر را تجربه می کنند. این نقش جدید به منزله ورودی شهر و آگاهی دادن به مسافران را باید در طراحی و ساخت چنین میدانهایی در نظر گرفت. این میدانهای ورودی امروز نیز بر ادراک مسافران از منزلت شهر اثر گذارند. آنها می توانند بیانگر حس عمومی، عملکردی، ئیدولوژیکی و دیگر خصایص یک شهر باشند و پیش زمینه ای از شهر را برای رهگذر آن خطه ترسیم کنند. از سویی سرعت، زندگی شهروند امروزی را تغییر داده، لذا باید بازتاب آن را در مکانهای ورودی شهر دید و به نحوه درک میادین از داخل خودروها توجه داشت.



تصویر ۱۴-۱- تهران، میدان آزادی، میدان ورودی شهر تهران.

اساساً میدانهای ورودی شهر دارای ویژگیهایی از این دسته اند:

- معرف هویت شهرند.
- اغلب استفاده کنندگان از آن غیر بومی هستند
- در معرض کاهش کیفیت کالبدی و بصری هستند.
- تعلق خاطر کمتری در شهروندان ایجاد می کنند.
- در حوزه مدیریتی چندین سازمان و دستگاه خدماتی قرار می گیرند.
- نیازمند دسترسی سریع، راحت و اتصال مناسب به شبکه راههای درون شهری و برون شهری هستند.

به نظر می رسد که ورودیها نیازمند دروازه ای اختصاصی، سامان یافته و متناسب با تحولات حال و آینده باشند تا بتوانند احیا کننده نقش دروازه نمادین شهر باشند.

۱-۶- میدان، فاطره ها و نشانه ها

شهرها تبدیل به کانونی شده اند، که هر فرد در آن کار خود را انجام می دهد. کانونی که هزاران اندیشه، سلیقه و احساس در آن قرار دارد. برای بسامان کردن چنین محیطی اولین گام ایجاد نظم و قرار دادن رفتارها در چارچوب است. با ایجاد نظم و هماهنگ نمودن حرکتهای در محیطهای شهری می توان به این هدف اصلی و متعالی رسید. یکی از این بسترها میادین و فلکه ها هستند که بر حسب نیاز در برخی تقاطعهای شهری به وجود می آیند.

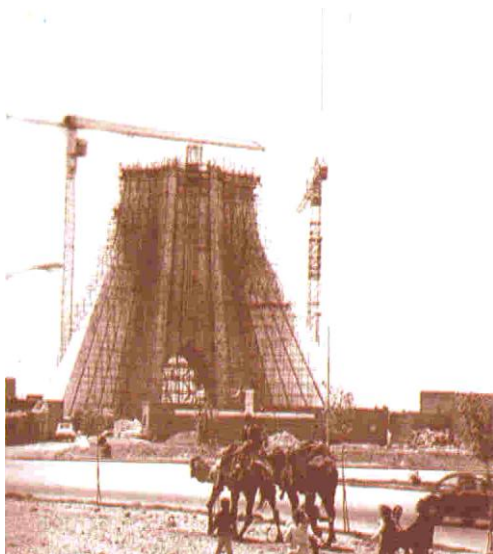
اولین نکته ای که در سامان دادن این نوع عناصر شهری باید در نظر گرفت، تأثیر میدان بر روی مخاطبان آن است. گاه یک میدان فاقد ارزشهای هنری، ترافیکی و معماری است و لی بدلیل اینکه برای افرادی که سالها با آن زندگی کرده اند دارای اهمیت ارزش و احترام خاص بوده، تبدیل به سمبل آن منطقه شده است.

کوبین لینچ در اثر کلاسیک خود " سیمای شهر " گر ها را واجد اهمیت در شهرها می داند که معمولاً در محل تقاطع راهها و یا تجمع پاره ای از خصوصیات به وجود می آیند و ناظر می تواند بدون آنها راه یابد، او میادین و فلکه ها را گر های مهم شهری می داند که در ایجاد نقشه ذهنی مردم شهر نقش مهمی را ایفا می کنند. چنین نقشه و تصورات ذهنی در اکثر موارد منطبق واقعیت عینی نیست. حضور معماران، برنامه ریزان شهری، ترافیک و ... در طرحهای شهری به چندین دهه می رسد. همه آنها با کمال حسن نیت سعی در حل معضلات شهری نموده اند. ولی تا زمانیکه تمام سعی خود را برای حل مشکلات عملکردی صرف می کنند و تفاوتی بین ذهنیت و عینیت نمی گذارند مشکل بطور جامع و کامل حل نمیشود. عرصه های زندگی فردی و جمعی به مثابه تصاویری است که یک شهروند ایرانی در طول تاریخ در ذهن خود بر اساس تجربیاتش پرورانده است.

به واسطه برخی مسائل، اذهان مهندسان و برخی از شهروندان همیشه متوجه تعریف خیابان و احداث فلکه و نظایر اینها بوده است و این قبیل تغییرات را نوعی عمران و توسعه شهر خود به شمار می آورند. هر میدانی، هر فلکه ای تشکیل دهنده بخشی از شخصیت شهر و بیانگر گوشه از هویت پنهان شهر حاضر است. حتی وجود نام برای میدان آنرا با تمام خصوصیاتش در ذهن متبادر می کند. اولین قدم در راه خلق اثر هنری انتخاب فضای کار است. زیرا در داخل چنین فضایی اثر خود را قرار می دهد و با عناصر دیگر ترکیب می کند. برای مثال میدان آزادی و دیگر میادین ورودی شهرها تحول مفهوم دروازه شهرند. این قبیل میادین دروازه نمادین شهر محسوب می شوند.

این قبیل عناصر قبل از ورود به شهر، مسافر تازه وارد را با حال و هوای شهر آشنا می کند. در پس زمینه های ذهنی اش خصوصیات بصری فضا و حال و هوای ورود به آن شهر را ذخیره می کند. تصویر و خاطره ای زنده و پویا از مکان ورود، از ابتدای شهری، حال این شهر اگر دستخوش دگردیسی و تغییرات فراوان هم شود گوشه ای از آنچه که برای آن تازه وارد مسافر در ذهنش باقیمانده، میدان اول شهر است. او در ورای این تغییر و تحولات عینی در جستجوی تصورات ذهنی خود است. او میدان را آنگونه که دیده میبیند. به عبارت دیگر او در میان واقعیت های عینی حاضر به دنبال سیمای ذهنی اول خود می گردد.

تصویری نخستین که در اولین مواجهه با شهر آن را در خاطره های خود سپرده و بر خلاف افراد بومی منطقه که دیدن چنین فضایی برای آنها قصه همیشه تکرار شده و ارزش خود را تا حدی از دست داده، همچنان ارزشمند است و آنرا خالی از روح نمی داند.



تصویر ۱۵-۱- تهران، میدان آزادی، آغاز ساختمان برج.